برگشت قرائات سبع به قرائت امیرالمؤمنین ع در کلام ابن شهر آشوب

من قبلاً از منابع خواندم دوباره تکرار می‌کنم که ببینید. آن وقت این را ندیده بودم. در منابع ابن شهر آشوب جلد دوم، صفحه ۴۲ می‌گوید امیرالمؤمنین بر همه سابق هستند. در همه علوم، « **منهم العلماء بالقرائات**»؛ از کسانی که امیرالمؤمنین اسبق بر همه آنها هستند، علماء قرائات هستند. بعد ایشان از عده‌ای از علماء اسم می‌برد و می‌گوید:

> أحمد بن حنبل وابن بطة وأبو يعلى في مصنفاتهم عن الأعمش عن أبي بكر بن عياش في خبر طويل انه قرأ رجلان ثلاثين آية من الأحقاف فاختلفا في قراءتهما فقال ابن مسعود هذا بخلاف ما أقرأه فذهب بهما إلى النبي فغضب وعلي عنده فقال علي :رسول الله يأمركم أن تقرأوا كما علمتم . وهذا دليل على علم علي بوجوه القراءات المختلفةوروي ان زيدا لما قرأ التابوت قال علي كتبه التابوت فكتبه كذلك ، والقراء السبعة إلى قراءته يرجعون ، اما حمزة والكسائي فيعولان على قراءة علي وابن مسعود وليس مصحفهما مصحف ابن مسعود فهما إنما يرجعان إلى علي ويوافقان ابن مسعود فيما يجري مجرى الاعراب ، وقد قال ابن مسعود : ما رأيت أحدا أقرا من علي ابن أبي طالب للقرآن
>
> **[1]**

« فقال علي :رسول الله يأمركم أن تقرأوا كما علمتم » منظور من اینجا است: ابن شهر آشوب می‌گوید: «وهذا دليل على علم علي بوجوه القراءات المختلفة». یعنی ایشان نمی‌گویند یک قرائت بوده است . بلکه «علم علي بوجوه القرائات المختلفه». الآن یک حساب دیگری پیدا کرد. گاهی می‌گوییم محدثی یک اطلاعاتی را جمع‌آوری کرده و می‌گوید. اما این سنی می‌گوید ایشان «تقدم في علم القرائات». یعنی متخصص کار بودند. حال دنباله آن را ببینید. تا اینجا می‌آید: «والقراء السبعة إلى قراءته يرجعون». این دیگر خیلی دلالت قشنگ تری دارد.

شاگرد: فرمایش امیرالمؤمنین یعنی هر دوی آنها درست است.

استاد: بله. در مقدمه طبری پنجاه روایت هست که اینها را می‌گوید. البته این برای آنها است که من قبلاً عرض کرده بودم. در همین زمینه پنجاه و دو روایت در مقدمه طبری هست. حال در «هون علی أمتي» می‌رسیم و عرض می‌کنم.

این یکی از آنها بود. ابی بود، ابن مسعود بود... .

آن چه که جالب است بعد از این اطلاع و علم است. می‌فرمایند: «والقراء السبعة إلى قراءته يرجعون». این عبارت منافق است.

شاگرد: یعنی قرائت امیرالمؤمنین؟

استاد: بله. ابن شهر آشوب می‌گوید تمام قراء سبعه با تمام این چیزهایی که دارند، «الی قرائته یرجعون». و لذا است که قبلاً مکرر عرض کردم روایت سید شمس الدین در جزیره خضراء –علی المبان- همین است. علی ای حال اگر هم دروغ باشد آن زمان یک کسی این دروغ را نوشته که ذهنیت واضع را می‌رساند. سید شمس الدین در جزیره خضراء گفت «انا لانعرف هوالاء»؛ ما قراء سبعه را نمی‌شناسیم. ما می‌دانیم «نزل القرآن علی سبعة احرف». بعد جبرئیل آمد و در دور آخر حضرت همه را خواندند و امیرالمؤمنین همه را نوشتند. بعد گفتند «فالجمیع قرائة امیرالمؤمنین». چقدر با این حرف صاحب منافق جور است.

شاگرد: یک خط را هم بخوانید. احتمالاً تأثیر دارد.

استاد: **«وروي ان زيدا لما قرأ التابوت قال علي اكتبه التابوت»؛** به تاء بنویس. این در کتابها معروف است. خود زید مایل بود که با هاء بنویسد «التابوه». حضرت فرمودند نه، در اینجا به رسم آنها ننویسید. بلکه با تاء کشیده بنویسید.

---

[1]منقاب آل أبي طالب - ط المكتبة الحيدرية ج ۱ ص۳۲۱

بازبینی #3
ایجاد شده 6 آوریل 2024 14:28:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2024 15:08:42 توسط ... .